

زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

نشانی اینترنتی مجله: <http://jill.shirazu.ac.ir>

تحلیلی رده‌شناختی بر ترتیب واژگانی و مطابقه در گویش اوزی

مهسا کمال‌پور^۱، مهین‌ناز میردهقان فراشاه^{۲*}

۱- دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی استان قم، ایران

۲- دانشیار زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

هدف از نگارش این مقاله ارائه تحلیلی رده‌شناختی بر ترتیب واژگانی و مطابقه در گویش اوزی، از گویش‌های جنوب استان فارس، است. این گویش، در نظام مطابقه و ترتیب واژگانی ویژگی‌هایی متمایز نسبت به فارسی معیار اما متشابه با برخی دیگر از گویش‌های استان فارس از جمله لارستانی، خنجی، بستکی، بیخه‌ای و گراشی را آشکار می‌سازد. مبنای نظری تحقیق حاضر بررسی و تحلیل ۲۲ مؤلفه رده‌شناختی ترتیب واژه در ایر (۱۹۹۲) و دبیرمقدم (۱۳۹۲) است. در بررسی همبستگی میان ترتیب فعل و مفعول و دیگر واحدهای دوگانه از عناصر دستوری در گویش اوزی، به بررسی انواع مطابقه و ترتیب واژگانی در این گویش پرداخته شده است. به دنبال آن، پارامترهای مدنظر در قالب ۲۲ مؤلفه ترتیب واژگانی و ۳ نوع مطابقه در ۶۱ نمونه گویشی ارائه می‌شود و در قالب ۲۳ جدول مورد تحلیل قرار می‌گیرد. نتایج این پژوهش نمایان‌گر آن است که نظام مطابقه در گویش اوزی پیش‌بست‌های مطابقه با فاعل فعل‌های متعدی و پی‌بست‌های مطابقه با فعل‌های لازم و متعدی را آشکار می‌سازد. بر این اساس فاعل فعل‌های لازم و فاعل فعل‌های متعدی از لحاظ مطابقه به صورت پی‌بست‌های مطابقه یکسان بر روی فعل تجلی پیدا می‌کنند.

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۱ مرداد ماه ۹۷

پذیرش: ۲۰ مهر ماه ۹۸

واژه‌های کلیدی:

تحلیل رده‌شناختی

گویشی

گویش اوزی

مؤلفه‌های ترتیب

واژگانی

مطابقه فاعل

مطابقه مفعول

* نویسنده مسئول

۱. مقدمه

رده‌شناسی شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که به مطالعه شباهت‌های ساختاری میان زبان‌های مختلف بدون در نظر گرفتن پیشینه آن‌ها می‌پردازد تا بر این اساس، مبنایی برای طبقه‌بندی یا رده‌بندی زبان‌ها ارائه کند (گلفام، ۱۳۷۹). اصطلاح «رده‌شناسی» به صورت‌های گوناگونی تعریف شده است؛ چنان‌که کرافت^۱ (۱۹۹۳) چهار تعریف را از این اصطلاح آورده است: نخست آن‌که رده‌شناسی، عبارت است از طبقه‌بندی پدیده‌ها. این تعریف عامی است و به زبان منحصر نمی‌شود. طبق دومین تعریف او، رده‌شناسی، طبقه‌بندی ساختارهای زبانی است. کرافت در سومین تعریف که بر پایه مقایسه‌های بین زبانی است، رده‌شناسی را بررسی الگوهای بین زبانی می‌داند. وی در نهایت، رده‌شناسی را رویکردی در ترکیب با رویکرد نقشی در بررسی‌های زبانی معرفی می‌کند (کرافت، ۱۹۹۳: ۵۵-۷۲). ترتیب واژگانی به ترتیب خطی‌ای اشاره دارد که در آن واژه‌ها به منظور تشکیل جمله مرتب می‌شوند؛ اما این که ترتیب واژگانی پایه و اصلی کدام است، می‌توان به توضیح چگونگی ترتیب واژگانی در رده‌شناسی زبانی اشاره کرد. ترتیب واژگانی در سطح عبارت، مستقل و شاخص و با حضور کامل عبارات اسمی یافت می‌شود، جایی که فاعل، انسان و کنش‌گر مشخص باشد و مفعول، کنش‌پذیر باشد و فعل، نشان‌دهنده عملی باشد و نه حالت یا واقعه‌ای (زیویرسکا^۲، ۱۹۸۸: ۸).

مقیاس‌های دیگر برای تعیین ترتیب واژگانی، بسامد بافتی و نشان‌داری است (مالینسون^۳ و بلیک^۴، ۱۹۸۱: ۹-۱۲۵؛ هاوکینز^۵، ۱۹۸۳: ۱۶-۱۲؛ کامری^۶، ۱۹۸۹: ۹-۸۸، دراپر^۷، ۱۹۸۹: ۷۰؛ والی^۸، ۱۹۹۷: ۱۰۴-۱۰۰). از میان دو ترتیب واژگانی، پربسامدترین ترتیب را پایه و اساس قرار می‌دهند. البته این مقیاس‌ها همیشه صادق نیستند و مشکلاتی به همراه دارند؛ به عنوان مثال، در بسیاری از زبان‌ها استفاده از واژه‌بست‌های ضمیری یا ترکیب اسمی در عبارات متعددی به ندرت یافت می‌شوند. پس بسامد نمی‌تواند پارامتر قابل اطمینانی در تعیین ترتیب واژه به حساب آید. (سانگ^۹، ۲۰۱۸: ۲۵۴).

1. Croft
2. Siewirska
3. Mallinson
4. Blake
5. Hawkins
6. Comrie
7. Dryer
8. Whaley
9. Song

پاییز و زمستان

زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی، سال چهارم، شماره دوم

از سوی دیگر، می‌توان اشاره کرد که هنگامی که فعل جمله، وندی را در نمایاندن رابطه دستوری خود با موضوع‌های وابسته دربرداشته باشد، با صورتی مواجه می‌شویم که به طور سنتی «صرف فعل» خوانده می‌شود. در صورت هم‌مرجع بودن وند با گروه اسمی در جمله، فعل را در «مطابقه» با گروه اسمی مزبور می‌دانند (میردهقان، ۱۳۸۷: ۱۸).

«لارستانی» زبان ایرانی غربی جنوبی است که در بخشی از استان فارس به آن صحبت می‌شود. تعدادی از گویش‌های این زبان عبارت‌اند از لاری، خُنجی، گِراشی، اُوزی، بَسْتکی و بیخه‌ای (دبیرمقدم، ۱۳۹۲). گویشی از زبان لارستانی که در این‌جا بررسی می‌شود گویش اُوزی است. شهر اُوز در ۴۰ کیلومتری غرب لارستان و حدود ۳۳۰ کیلومتری جنوب شرقی شیراز قرار دارد و فاصله‌اش با دریا ۹۵ کیلومتر است (خضری، ۱۳۷۷). این پژوهش به بررسی «ترتیب واژگانی» و «نظام مطابقه» در گویش اُوزی می‌پردازد.

۲. پیشینه پژوهش

آغازگر مطالعه آرایش واژگان در رده‌شناسی گرینبرگ^۱ (۱۹۶۶) بود که با ارائه یافته‌های تجربی خود درباره مجموعه بزرگی از زبان‌ها، رده‌شناسی آرایش واژگان را دغدغه اصلی پژوهش‌های زبانی مطرح کرد. او نتایج مشاهدات خود را به صورت ۴۵ همگانی عرضه کرد. پس از او، لمان^۲ (۱۹۷۳) کاشف ایده فعل عامل سازمان‌دهنده الگوی آرایش واژگان شناخته شد. او برای نخستین بار میان زبان‌های فعل پایانی (OV) و زبان‌های فعل آغازی (VO) تمایز ایجاد کرد. همچنین ونمان^۳ (۱۹۷۴) در رده‌بندی فعل پایانی/فعل آغازی از لمان (۱۹۷۳) پیروی می‌کند و معتقد است همه قواعد واژه‌آرایی به جایگاه نسبی فعل و مفعول بستگی دارند. ونمان (۱۹۷۴) براساس عبارات تلویحی گرینبرگ (۱۹۶۶) اصل زنجیره‌سازی طبیعی را مطرح می‌کند (بیش‌تر به عنوان نظریه هسته-وابسته معروف است). هاوکینز (۱۹۸۳) در رویکرد آرایش واژگان خود می‌کوشد میان اصول چندگانه گرینبرگ (۱۹۶۶) (دارای اعتبار تجربی) و اصول ساده لمان (۱۹۷۳) و ونمان (۱۹۷۴) (فاقد اعتبار تجربی) تعادل ایجاد کند. او بر خلاف این دو، از داده‌های گرینبرگ (۱۹۶۶) استفاده نکرد و با یک نمونه ۳۳۶ تایی از زبان‌ها کار کرد. هاوکینز (۱۹۸۳) همچنین، اصل هماهنگی

1. Greenberg
2. Lehmann
3. Vennemann

بینامقوله‌ای را مطرح می‌کند تا بتواند بسامد زبان‌ها را دقیق‌تر بررسی کند. کامری (۱۹۸۹) بیان می‌کند که دغدغه اصلی پژوهش در حوزه آرایش واژگان نیست، بلکه در حوزه آرایش سازه‌ها است. در واقع، اصطلاح درست‌تر رده‌شناسی «آرایش سازه‌ها» است که به آن‌ها امکان می‌دهد شامل یک یا چند واژه شوند. در نهایت، درایر (۱۹۹۲) براساس بررسی آرایش واژگان ۹۲۵ زبان، بسیاری از ادعاها درباره همبستگی‌های آرایش واژگان را تأیید می‌کند؛ اما در عین حال، بسیاری از فرضیات پذیرفته‌شده را رد می‌کند. در چند دهه اخیر پژوهش‌های متعددی در زمینه آرایش واژگان در زبان‌ها و گویش‌های دنیا انجام شده‌اند. از این میان می‌توان به این پژوهش‌ها اشاره کرد: برادشو^۱ (۱۹۸۲) درباره ویژگی‌های آرایش واژگانی رده‌شناختی زبان‌های استرالیایی- اندونزیایی گینه نو؛ بات^۲ و همکاران (۱۹۹۴) درباره انعطاف‌پذیری آرایش واژگان در زبان‌های جنوب آسیا؛ درایر (۲۰۰۳) درباره آرایش واژگان، هم در سطح بند و هم در سطح گروه، در زبان‌های چینی-تبتی؛ کالستینوا^۳ (۲۰۰۷) درباره بررسی پدیده آرایش واژگان در یک زبان دارای آرایش واژگانی آزاد (زبان روسی)؛ درایر (۲۰۰۸) درباره آرایش واژگان در زبان‌های تبت و برمن؛ کالینجن^۴ و تنهاسر^۵ (۲۰۱۰) درباره محدودیت‌های موجود بر آرایش واژگان در زبان گورانی پاراگوئه بر اساس پیکره‌ای از داده‌های طبیعی؛ و پژوهش پیکره‌محور بدر^۶ و هاسلر^۷ (۲۰۱۰) درباره آرایش فاعل و مفعول در بندهای اصلی و درونه زبان آلمانی.

احمدی‌پور (۱۳۷۲: ۴-۱) آرایش سازه‌های اصلی را در جمله‌های ساده اخباری و جملات مرکب با ساخت موصولی و ساخت متممی در گونه نوشتاری ادبیات کودک در زبان فارسی را از دیدگاه رده‌شناسی زبان تحلیل می‌کند. او تلاش می‌کند تا الگوهای غالب جملات و در مقابل آن آرایش‌های فرعی ممکن را کشف، توصیف و رده‌بندی کند. شریفی (۱۳۸۳) به بررسی رده‌شناختی آرایش واژه‌ها- آرایش سه سازه اصلی جمله، یعنی فعل، مفعول و فاعل- همچنین مراتب رده‌شناختی ناظر بر ترتیب خطی سازه‌ها در زبان فارسی پرداخته است. در این اثر، سلسله‌مراتب رده‌شناختی ناظر بر ترتیب خطی سازه‌ها و برخی از عوامل مؤثر بر ترکیب خطی سازه‌ها معرفی

1. Bradshaw
2. Butt
3. Kallestinova
4. Colijin
5. Tonhaaser
6. Bader
7. Hussler

شده‌اند. در نهایت، حاصل تحلیل و بررسی‌ها دربارهٔ آرایش واژه‌ها در زبان فارسی بر اساس رویکرد رده‌شناختی ارائه شده است.

شریفی (۱۳۸۷) همچنین به بررسی آرای هاوکینز (۱۹۸۳) در حوزهٔ رده‌شناسی آرایش واژه‌ها می‌پردازد. میردهقان و مهمانچیان (۱۳۹۰) به بررسی آرایش واژگانی جملات خبری گویش آتنی (از گویش‌های مازندرانی) در چارچوب نظریهٔ بهینگی پرداخته‌اند. رضایور (۱۳۹۴) آرایش واژه در گویش سمنانی را بر اساس مؤلفه‌های ۲۴گانهٔ درایر (۱۹۹۲) از نظر رده‌شناسی تحلیل کرده است. تحلیل داده‌ها در این پژوهش نشان می‌دهد که گویش سمنانی ۱۷ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل‌پایانی قوی و ۱۶ مؤلفه از مؤلفه‌های فعل‌میان قوی را در مقایسه با گروه زبان‌های دنیا دارد؛ بنابراین این گویش گرایش به ردهٔ زبان‌های فعل‌پایانی دارد.

در حوزه گویش‌شناسی می‌توان به پژوهش‌های اونوالا^۱ (۱۹۵۹)، مک‌کینان^۲ (۱۹۹۵)، بابایی‌نزار (۱۳۷۴)، معماری (۱۳۸۹)، گرامی (۱۳۸۵)، کدخدای (۱۳۸۵) و راستی بهبهانی (۱۳۸۸ و ۱۳۹۱) اشاره کرد.

۳. مبانی روش‌شناختی پژوهش

۳-۱. روش پژوهش

در گردآوری داده‌های این تحقیق، علاوه بر شَمّ زبانی گویشور (نویسندهٔ اول) به عنوان بومی زبان گویش اُوزی، از مصاحبه و تکمیل پرسشنامهٔ گردآوری داده‌های گویش استفاده شد که دربرگیرندهٔ انواع صرف فعل در زمان‌های دستوری متفاوت است. این پرسشنامه توسط ۱۵ گویشور بومی خانم و آقای تحصیل کرده در مقاطع دیپلم و کارشناسی ۱۸ تا ۵۹ ساله و آشنا به مبحث مورد مطالعه در این مقاله، پاسخ داده شد. در گام بعد، داده‌ها آوانگاری شدند.

مبنای نظری این پژوهش بررسی و تحلیل ۲۲ مؤلفهٔ رده‌شناختی ترتیب واژهٔ درایر (۱۹۹۲) و دبیرمقدم (۱۳۹۲) است تا به بررسی همبستگی میان ترتیب فعل و مفعول و دیگر واحدهایی دوگانه از عناصر دستوری در گویش اُوزی و نیز بررسی انواع مطابقه در آن پرداخته شود. شایان ذکر است که درایر (۱۹۹۲) ۲۳ جفت همبستگی و دبیرمقدم (۱۳۹۲) ۲۴ جفت همبستگی را

1. Unvala
2. Mackinnon

۳۲. تحلیلی رده‌شناختی بر ترتیب واژگانی و مطابقه در گویش اوزی

بررسی کرده‌اند. بر این اساس در تحلیل داده‌های گویشی در این پژوهش از پارامترهایی در قالب ۲۲ مؤلفه ترتیب واژگانی و ۳ نوع مطابقه استفاده شد. این پارامترها در ۶۱ نمونه گویشی و ۲۳ جدول ارائه می‌شوند تا وضعیت رده‌شناختی این گویش را توصیف کنند.

۳-۲. داده‌های گویشی

در این بخش فهرست کامل پی‌بست‌ها و پیش‌بست‌های مطابقه در گویش اوزی، صیغگان زمان حال ساده و استمراری، ماضی ساده و استمراری، ماضی بعید و ماضی نقلی، صرف فعل اصلی «بودن» و صرف چند فعل مرکب به صورت‌های لازم و متعدی صرف ضمائر فاعلی منفصل ارائه شده‌اند.

شایان ذکر است که در این گویش پیش‌بست‌های مطابقه فعلی (جدول‌های ۷، ۹، ۱۱ و ۱۳) در صرف انواع فعل‌های زمان گذشته متفاوت هستند و در نقش پیش‌بست‌های مطابقه فاعل با فعل ظاهر می‌شوند اما پی‌بست‌های مطابقه فعلی (جدول‌های ۸، ۱۰، ۱۲ و ۱۴) یکسان می‌باشند و شمار و شخص توسط پیش‌بست‌ها مشخص می‌شود. در صرف انواع فعل‌های مضارع (جدول‌های ۱، ۳ و ۵) پیش‌بست‌های مطابقه فعلی یکسان هستند اما پی‌بست‌های مطابقه فعلی (جدول‌های ۲، ۴ و ۶) متفاوت می‌باشند و شمار و شخص توسط پی‌بست‌ها مشخص می‌شود.

صرف فعل «خوردن»

جدول (۱) زمان حال استمراری / فعل متعدی

فعل در فارسی معیار	آوانویسی فعل در گویش	فعل در فارسی معیار	آوانویسی فعل در گویش
دارم می‌خورم	xærdam	دارم نمی‌خورم	nexærdam
داری می‌خوری	xærdəʃ	داری نمی‌خوری	nexærdəʃ
دارد می‌خورد	xærda	دارد نمی‌خورد	nexærda
داریم می‌خوریم	xærdaim	داریم نمی‌خوریم	nexærdaim
دارید می‌خورید	xærdai	دارید نمی‌خورید	nexærdai
دارند می‌خورند	xærdaid	دارند نمی‌خورند	nexærdaid

جدول (۲) پی‌بست^۱ مطابقت فاعلی در گویش اوزی: زمان حال استمراری / فعل متعدی

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول	am	aim
دوم	aʃ	ai
سوم	a	aid

جدول (۳) زمان حال ساده / فعل متعدی

فعل در فارسی معیار	آوانویسی فعل در گویش	فعل در فارسی معیار	آوانویسی فعل در گویش
می‌خورم	æxram	نمی‌خورم	na æxram
می‌خوری	æxreʃ	نمی‌خوری	na æxreʃ
می‌خورد	æxæ	نمی‌خورد	na æxa
می‌خوریم	æxrem	نمی‌خوریم	na æxrem
می‌خورید	æxri	نمی‌خورید	na æxri
می‌خورند	(t)æxred	نمی‌خورند	(t)na æxred

جدول (۴) پی‌بست مطابقت فاعلی در گویش اوزی: زمان حال ساده / فعل متعدی

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول	am	em
دوم	eʃ	i
سوم	æ	(t)ed

جدول (۵) زمان مضارع التزامی فعل متعدی

فعل در فارسی معیار	آوانویسی فعل در گویش	فعل در فارسی معیار	آوانویسی فعل در گویش
بخورم	bexram	نخورم	nexram
بخوری	bexreʃ	نخوری	nexreʃ
بخورد	bexa	نخورد	nexa
بخوریم	bexreim	نخوریم	nexreim
بخورید	bexri	نخورید	nexri
بخورند	bexred	نخورند	nexred

۱. واژه‌بست (پیش‌بست و پی‌بست) به وند شباهت دارد چون به تنهایی در ساخت واجی به‌کار نمی‌رود و به واژه میزبان پیش یا پس از خود تکیه می‌کند (شقایق، ۱۳۹۴: ۷-۸).

جدول (۶) پی‌بست مطابقهٔ فاعلی در گویش اوزی: زمان مضارع التزامی فعل متعدی

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول	am	aim
دوم	aʃ	i
سوم	a	ed

جدول (۷) زمان گذشتهٔ ساده

فعل در فارسی معیار	آوانویسی فعل در گویش	فعل در فارسی معیار	آوانویسی فعل در گویش
خوردم	omxæ	نخوردم	omnæxæ
خوردی	otxæ	نخوردی	otnæxæ
خورد	ofxa	نخورد	ofnæxæ
خوردیم	moxæ	نخوردیم	monæxæ
خوردید	toxæ	نخوردید	tonæxæ
خوردند	foxæ	نخوردند	fonæxæ

جدول (۸) پی‌بست مطابقهٔ فاعلی در گویش اوزی: زمان گذشتهٔ ساده

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول	æ	æ
دوم	æ	æ
سوم	æ	æ

جدول (۹) زمان گذشتهٔ استمراری

فعل در فارسی معیار	آوانویسی فعل در گویش	فعل در فارسی معیار	آوانویسی فعل در گویش
می‌خوردم	mæxæ	نمی‌خوردم	omnæxæ
می‌خوردی	tæxæ	نمی‌خوردی	otnæxæ
می‌خورد	ʃæxæ	نمی‌خورد	ofnæxæ
می‌خوردیم	moxæ	نمی‌خوردیم	monæxæ
می‌خوردید	toxæ	نمی‌خوردید	tonæxæ
می‌خوردند	foxæ	نمی‌خوردند	fonæxæ

جدول (۱۰) پی‌بست مطابقت فاعلی در گویش اوزی: زمان گذشته ساده

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول	æ	æ
دوم	æ	æ
سوم	æ	æ

جدول (۱۱) زمان حال کامل (ماضی نقلی)

آوانویسی فعل در گویش	فعل در فارسی معیار	آوانویسی فعل در گویش	فعل در فارسی معیار
omnexærde	نخورده‌ام	omxærde	خورده‌ام
otnexærde	نخورده‌ای	otxærde	خورده‌ای
ofnexærde	نخورده است	ofxærde	خورده است
monexærde	نخورده‌ایم	moxærde	خورده‌ایم
tonexærde	نخورده‌اید	toxærde	خورده‌اید
fonexærde	نخورده‌اند	foxærde	خورده‌اند

جدول (۱۲) پی‌بست مطابقت فاعلی در گویش اوزی: زمان حال کامل (ماضی نقلی)

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول	e	e
دوم	e	e
سوم	e	e

جدول (۱۳) زمان گذشته کامل (ماضی بعید)

آوانویسی فعل در گویش	فعل در فارسی معیار	آوانویسی فعل در گویش	فعل در فارسی معیار
omnexærdeztad	نخورده بودم	omxærdeztad	خورده بودم
otnexærdeztad	نخورده بودی	otxærdeztad	خورده بودی
ofnexærdeztad	نخورده بود	ofxærdeztad	خورده بود
monexærdeztad	نخورده بودیم	moxærdeztad	خورده بودیم
tonexærdeztad	نخورده بودید	toxærdeztad	خورده بودید
fonexærdeztad	نخورده بودند	foxærdeztad	خورده بودند

جدول (۱۴) پی‌بست مطابقهٔ فاعلی در گویش اوزی: زمان گذشتهٔ کامل (ماضی بعید)

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول	ez tad	ez tad
دوم	ez tad	ez tad
سوم	ez tad	ez tad

جدول (۱۵) صرف فعل «بودن»

فعل در فارسی معیار	فعل در فارسی معیار	آوانویسی فعل در گویش	آوانویسی فعل در گویش
بودم	نبودم	hadam	nehadam
بودی	نبودی	hadeʃ	nehadeʃ
بود	نبود	had	nehad
بودیم	نبودیم	hadem	nehadem
بودید	نبودید	hadi	nehadi
بودند	نبودند	hadet	nehadet

جدول (۱۶) پی‌بست مطابقهٔ فاعلی در گویش اوزی: صرف فعل «بودن»

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول	am	em
دوم	eʃ	i
سوم	-	et

جدول (۱۷) پیش‌بست‌های مطابقهٔ فاعلی در فعل‌های متعدی در گویش اوزی

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول	om	mo
دوم	ot	to
سوم	oʃ	ʃo

جدول (۱۸) ضمائر فاعلی منفصل در گویش اوزی

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول	ma	ʃoma
دوم	ta	æma
سوم	me	miya

جدول (۱۹) صرف فعل «خواستن»

فعل در فارسی معیار	فعل در گویش اوزی
می‌خواهم بخوابم	mæ_e hoxæt_am
می‌خواهی بخوابی	tæ_e hoxæt_eʃ
می‌خواهد بخوابد	ʃæ_e hoxæt_e
می‌خواهیم بخوابیم	ma_e hoxæt_em
می‌خواهید بخوابید	ta_e hoxæt_i
می‌خواهند بخوابند	ʃa_e hoxæt_ed

جدول (۲۰) صرف فعل مرکب «خواستن»

فعل در فارسی معیار	فعل در گویش اوزی
می‌خواهم بخوابم	mæ_e hoxæt_am
می‌خواهی بخوابی	tæ_e hoxæt_eʃ
می‌خواهد بخوابد	ʃæ_e hoxæt_e
می‌خواهیم بخوابیم	ma_e hoxæt_em
می‌خواهید بخوابید	ta_e hoxæt_i
می‌خواهند بخوابند	ʃa_e hoxæt_ed

جدول (۲۱) پی‌بست‌های مطابقت فاعلی فعل‌های لازم و متعدی در گویش اوزی

شمار / شخص	مفرد	جمع
اول	aim	am
دوم	ad	aʃ
سوم	ai	a

جدول (۲۲) صرف فعل لازم «رفتن» در زمان حال استمراری

فعل در فارسی معیار	فعل در گویش اوزی
می‌روم	çedam
می‌روی	çedaɸ
می‌رود	çeda
می‌رویم	çedaim
می‌روید	çedai
می‌روند	çedad

جدول (۲۳) صرف فعل مرکب «خوردن»

فعل در فارسی معیار	فعل در گویش اوزی
داشتم می‌خوردم	ma xærdestad
داشتی می‌خوردی	ta xærdestad
داشت می‌خورد	ɸæ xærdestad
داشتیم می‌خوردیم	mo xærdestad
داشتید می‌خوردید	to xærdestad
داشتند می‌خوردند	ɸo xærdestad

۴. تحلیل داده‌ها

۴-۱. ترتیب واژگانی

مؤلفه ۱: انواع حرف اضافه
 اوزی گویشی پیش‌اضافه‌ای است. تعدادی از پیش‌اضافه‌های آن عبارت‌اند از: ɸo؛ به؛ osey؛ برای؛ oz؛ از؛ be؛ به؛ ley؛ روی؛ ba؛ با؛ tek؛ در؛ داخل؛ xot؛ با (همراه).

(۱) «آن مرد کتاب را به مریم داد.»

me mærd_ e ketab_ e ɸo mæryæm da
 آن معرفه- مرد معرفه- کتاب حرف اضافه داد مریم به-

(۲) «آن‌ها کتاب را از مریم گرفتند.»

me_ iya ketab oz mæryæm fo=geret
گرفت- پیش‌بست ۳ ش ج مریم از- حرف اضافه کتاب جمع- آن

(۳) «من در را با کلید باز کردم.»

ma dar væ kelil baz om=ke
کرد- پیش‌بست ۱ ش م باز کلید با-حرف اضافه ه در من

(۴) «آن‌ها از تهران به اصفهان منتقل شدند.»

me_ iya oz θeran be esfæhan montæqel bod_ed
۳ ش ج- شد منتقل اصفهان به- حرف اضافه تهران از- حرف اضافه جمع- آن

(۵) «او در فروشگاه برای ما کار می‌کند.»

me teke foruʃga osey æma kær kerd_ay
نمود ناقص- کند کار ما برای-حرف اضافه فروشگاه در / داخل او

(۶) «او کتاب را روی میز گذاشت.»

me ketab ley miz of_ na
گذاشت- پیش‌بست ۳ ش م میز روی-حرف اضافه کتاب را او

در نمونه‌های (۱) تا (۶) به ترتیب از حروف اضافه ʃo, væ, oz, be, osey, ley استفاده شده است.

در نمونه‌های (۲)، (۳) و (۶) نیز پیش‌بست‌های ʃo, om و of با فاعل جمله مطابقت می‌کنند.

شایان ذکر است که در این گویش، ʃo در دو جایگاه حرف اضافه و پیش‌بست (واژه‌بست) به کار می‌رود.

مؤلفه ۲: توالی هسته اسمی و بند موصولی

بند موصولی بعد از هسته اسمی جای دارد.

(۷) «مردی که آمد.»

mærd_i ke omæ
مرد معرفه_مرد که آمد

(۸) «مردی که با شما صحبت کرد»

mærd_i ke xode ʃoma sohbt o =ʃ_kerd
کرد- پیش‌بست ۳ ش م-نمود ناقص صحبت شما با که معرفه-مرد

مؤلفه ۳: توالی مضاف و مضاف‌الیه

مضاف قبل از مضاف‌الیه قرار می‌گیرد.

(۹) «پسر علی»

pos_e æli
نشانه اضافه- پسر علی

(۱۰) «برادر من»

kakæ_y_e ma
نشانه اضافه- واج میانجی- برادر من

(۱۱) «کتاب آن‌ها»

ketab_e me_iya
نشانه اضافه- کتاب جمع- آن

مؤلفه ۴: توالی صفت و مبنای مقایسه

صفت می‌تواند هم پیش از مبنای مقایسه بیاید و هم پس از آن.

(۱۲) «بزرگ‌تر از مریم»

gæp_tær oz mæryam
تر- بزرگ از-حرف اضافه مریم

(۱۳) «از مریم بزرگ‌تر»

oz	mjæryæm	gæp_tar
از-حرف اضافه	مریم	تر- بزرگ

مؤلفه ۵: توالی فعل و گروه حرف اضافه‌ای

گروه حرف اضافه‌ای قبل از فعل ظاهر می‌شود.

(۱۴) «آن‌ها روی زمین خوابیدند.»

me_iya	ley	zæmin	xatest_ed
جمع- آن	روی-حرف اضافه	زمین	ش ۳ خوابید

(۱۵) «من به دیوار تکیه کردم.»

ma	be	dovar	tekyæ	mo =ke
من	به-حرف اضافه	دیوار	تکیه	کرد- پیش‌بست ۱ ش م

(۱۶) «او در را با کلید باز کرد.»

me	dær	væ	keli	baz	f=ke
او	در	با-حرف اضافه	کلید	باز	کرد- پیش‌بست ۳ ش م

همچنین همان‌گونه که در مؤلفه (۱) مطرح شد نمونه‌های (۱-۶) نیز حضور گروه حرف اضافه‌ای قبل از فعل را نشان می‌دهند.

مؤلفه (۶): توالی فعل و قید حالت

قید حالت قبل از فعل قرار می‌گیرد.

(۱۷) «آهسته دویدند.»

yavaʃ	xiz_ʃo	zæ
آهسته-قید	پی‌بست ۳ ش ج - دو	زد

مؤلفه (۷): توالی فعل اسنادی و گزاره

گزاره قبل از فعل اسنادی می‌آید.

(۱۸) «آن مرد معلم است.»

me	mærd_e	moælem	e
آن	معرفة- مرد	معلم	است

مؤلفه (۸): توالی فعل «خواستن» و فعل بند پیرو

فعل «خواستن» قبل از فعل بند پیرو قرار می‌گیرد.

(۱۹) «آن‌ها می‌خواهند درس بخوانند.»

me_iya	ʃæ=e	dars	be_xan_ed
جمع- آن	خواه- پیش‌بست ۳ ش ج	درس	۳ ش ج- خوان- التزامی

(۲۰) «من می‌خواهم این کتاب را بخوانم.»

ma	m=æ_e	e	ketab_e	be_xan_am
من	خواه- نمود ناقص- پیش‌بست ۱ ش	این	معرفة- کتاب	۱ ش م- خوان- التزامی

نکته: در نمونه (۱۹) و (۲۰) که فعل «خواستن» تصریف زمان حال دارد، از پیش‌بست‌های مطابقه با فعل استفاده می‌کند.

مؤلفه (۹): توالی موصوف و صفت

صفت پس از موصوف قرار می‌گیرد.

(۲۱) «مرد قد بلند»

mærd_e	qad	bolænd
مرد	قد	بلند

(۲۲) «پسر کوچک»

pos_e	kengele
معرفة- پسر	کوچک

* نمونه‌های (۹-۱۱) (ساخت مضاف و مضاف‌الیه) و نمونه‌های (۲۱) و (۲۲) (ساخت موصوف و صفت) را نشان می‌دهند که در هر دو ساخت، نشانه اضافه، یعنی ، با هسته آن ظاهر می‌شود که این پیوند نقش هسته‌نمایی دارد. از سوی دیگر، نمونه‌های موجود در مؤلفه (۲) نشان می‌دهند که در این گویش، هسته اسمی در ساخت موصولی با هسته‌نما نشانه‌گذاری نمی‌شود بلکه فقط نشانه معرفه می‌گیرد که البته در این گویش مجدداً از استفاده می‌شود.

مؤلفه (۱۰): توالی صفت اشاره و اسم

صفت اشاره قبل از اسم می‌آید.

(۲۳) «آن مرد»

me

آن-صفت اشاره

mærd_e

معرفه- مرد

(۲۴) «این دختر»

e

این-صفت اشاره

dot_e

معرفه- دختر

مؤلفه (۱۱): توالی قید مقدار و صفت

قید مقدار پیش از صفت قرار می‌گیرد.

(۲۵) «خیلی بلند»

bori

خیلی-قید مقدار

bolænd

بلند

(۲۶) «خیلی مهربان»

bori

خیلی-قید مقدار

meræbun

مهربان

مؤلفه (۱۲): توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان - نمود

در گویش اوزی برای بیان مفهوم زمان آینده، فعل کمکی وجود ندارد، بلکه این مفهوم با همان صورت مضارع فعل بیان می‌شود.

(۲۷) «آن مرد می‌آید/ خواهد آمد.»

me mærd_e dæ
آن معرفه-مرد می‌آید

(۲۸) «می‌خورم/خواهم خورد.»

æ xor am
۱ ش م - خور- نمود ناقص

در گویش اوزی برای نشان‌دادن نمود (ناقص استمراری)، از فعل کمکی استفاده نمی‌شود و این وظیفه بر عهدهٔ وند است. در مؤلفهٔ (۱۳) توضیحات بیش‌تری ارائه خواهد شد؛ اما، برای بیان ماضی بعید، فعل کمکی وجود دارد که پس از فعل اصلی قرار می‌گیرد (جدول ۱۵). علاوه بر این، صیغگان فعل اصلی «بودن» با فعل کمکی «بودن» متفاوت است که در جدول (۱۷) صرف کامل آن ارائه شده است.

مؤلفهٔ (۱۳): توالی وند زمان - نمود و ستاک فعل

برای زمان گذشته وندی وجود ندارد که به پایهٔ فعل افزوده شود. در ماضی نقلی و ماضی بعید، توالی ستاک گذشته و نشانهٔ اسم مفعول مشاهده می‌شود. صرف کامل صورت ماضی نقلی و ماضی بعید فعل خوردن در جدول‌های (۱۱) و (۱۳) در بخش داده‌های گویشی در دسترس است.

æ-xre-d(t)	می‌خورند
ʃo-x-æ	خوردند
ʃo-xard-ez-tad	خورده بودند
ʃo-xærd-e	خورده‌اند

در گویش اوزی، نمود ناقص استمراری در زمان حال به کمک *da* بیان می‌شود.

xærdaid	دارند می‌خورند
---------	----------------

صرف نمود ناقص استمراری در زمان گذشته «داشتن+خوردن» با افزودن پی‌بست «estad» به انتهای ستاک، در جدول (۲۳) آمده است.
در گویش اوزی، نمود ناقص استمراری در زمان حال به کمک da بیان می‌شود.

مؤلفه (۱۴): توالی ادات استفهام و جمله

*/** در این گویش ادات استفهام «آیا» برای پرسش‌های آری-نه به کار برده می‌شود، اگرچه معمولاً حذف می‌شود. در صورت کاربرد، در آغاز جمله ظاهر می‌شود.
(۲۹) «آیا آن مرد اینجاست؟»

*(aya)	me	mærd_e	meka	e
	آن	معرفة- مرد	اینجا	است

(۳۰) «آیا آن‌ها غذا خورده‌اند؟»

***(aya)	me_iya	qæza	fo =	xær_d_e
	جمع- آن	غذا	شج ۳ پیش‌بست	اسم مفعول- گذشته- خور-

مؤلفه (۱۵): توالی پیرونیامی بند قیدی و بند

پیرونیامی بند قیدی پیش از بند جای دارد.

(۳۱) «وقتی که آن‌ها به اصفهان برسند.»

væqti	ke	me_iya	be	esfahan	be_ras_ed
وقتی	که	جمع- آن	به	اصفهان	شج- رس- التزامی

مؤلفه (۱۶): توالی حرف تعریف و اسم

در این گویش برای حرف تعریف معرفه، نشانه‌ای وجود دارد که بعد از اسم به کار می‌رود.

(۳۲) «کتاب»

ketab-e

معرفه- کتاب

(۳۳) «نامه»

namæ_e

معرفه- نامه

*این نشانه (معرفه) در ساخت موصوف و صفت نیز به همین صورت مشاهده می‌شود ول در قالب نشانه اضافه نمود پیدا می‌کند.

(۳۴) «مرد جوان»

mærd_e jævun

نشانه اضافه- مرد جوان

*بر اساس این پژوهش می‌توان گفت گویش اوزی برای بیان مفهوم نکره حرف تعریف مستقل به کار نمی‌برد بلکه عدد «yak» این نقش را به عهده دارد. ذیل مؤلفه (۱۸) به توالی عدد و اسم اشاره خواهد شد.

مؤلفه (۱۷): توالی فعل و فاعل

فاعل پیش از فعل قرار می‌گیرد. نمونه‌های (۱-۶، ۱۴-۱۶، ۱۸، ۲۷، ۲۹ و ۳۰) نشان‌دهنده این ادعا است.

مؤلفه (۱۸): توالی عدد و اسم

عدد قبل از اسم می‌آید. پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (۳۵) «دوتا کتاب»

do_ta ketab

تا- دو کتاب

(۳۶) «یک کتاب خوب»

yæk ketab_e xub

یک نشانه اضافه- کتاب خوب

مؤلفه (۱۹): توالی فعل اصلی و فعل کمکی «توانستن»

فعل کمکی در مفهوم «توانستن» پیش از فعل اصلی قرار دارد.

(۳۷) «می توانم بخوانم»

m=æ_fa

ba_xan_am

۱ ش م- خوان- التزامی توان- نمود ناقص- پیش بست ۱ ش م
فعل «توانستن» مانند فعل «خواستن» (نمونه‌های ۱۹ و ۲۰) برای مطابقت، از پیش بست استفاده می کند.

مؤلفه (۳۰): توالی متمم‌نما و جمله متمم

متمم‌نما یا همان نشانه بند پیرو، در آغاز جمله پیرو می آید.

(۳۸) «من می دانم که آن مرد مهربان است.»

ma æ_dan_am ke me mærd_e meræban e
من دان- نمود ناقص ۱ ش م- دان- نمود ناقص من است مهربان معرفه- مرد آن که

(۳۹) «آن مرد سعی کرد که به سؤالات جواب دهد.»

me mærd_e sæi of=ke ke be soal_iya jævab hadæd
دهد جواب جمع- سؤال به که کرد- پیش بست ۳ ش سعی معرفه- مرد آن

مؤلفه (۳۱): حرکت پرسش‌واره

پرسش‌واره در جای اصلی خود می ماند و به ابتدای جمله حرکت نمی کند.

(۴۰) «آن‌ها چه چیزی را خریدند؟»

me_iya

خرید- پیش بست ۳ ش ج چی- پرسش‌واره جمع- آن‌ها

(۴۱) «علی کتاب را به کی داد؟»

æli ketab ſ_o ke dæ
علی کتاب به- حرف اضافه کی داد

(۴۲) «مریم نامه را به مینا کی نوشت؟»

mæryam kæy namæ ſ=o mina neveft
نوشت مینا به- حرف اضافه نامه کی مریم

مؤلفه ۲۲: توالی وند منفی ساز و ستاک فعل

در گویش اوزی، وند منفی ساز قبل از ستاک فعل و بعد از پیش‌بست فاعلی قرار می‌گیرد.

(۴۳) «نخوردم»

xæ_ne= om

خورد-نفی - پیش‌بست

(۴۴) «نخورده بودم»

om=ne_xærd_ez

tad

اسم مفعول (ماضی بعید) - خورد - نفی - پیش‌بست ۱ ش م بود

(۴۵) «نخورده است»

of=ne_xærd_e

اسم مفعول (ماضی نقلی) - خورد - نفی - واژه‌بست ۳ ش م

(۴۶) «نگفت»

of=ne_got

گفت - نفی - پیش‌بست ۳ ش م

(۴۷) «آن‌ها ندویدند»

me_iya

xiz_fo

ne_zæst

زد - نفی پی‌بست - دو جمع - آن‌ها

۲-۴. مطابقه در گویش اوزی

۲-۴-۱. مطابقه با فاعل در فعل‌های متعددی ساخته‌شده با ستاک گذشته در گویش اوزی

در نمونه‌های (۲، ۳ و ۶) پیش‌بست مطابقه با فاعل، به فعل پیوسته است. در نمونه (۳)، فعل جمله فعل مرکب است و جزء فعلی میزبان پیش‌بست مطابقه با فاعل واقع شده است. در نمونه (۸)، پیش‌بست مطابقه به هم‌کرد فعل مرکب «صحبت کردن» که فعل بند موصولی است، پیوسته است. در نمونه (۱۵) نیز، هم‌کرد فعل مرکب «تکیه کردن» میزبان پیش‌بست مطابقه با فاعل است. در نمونه (۱۶) نیز هم‌کرد فعل مرکب، میزبان پیش‌بست فعل مطابقه است.

۲-۲-۴. مطابقه با فاعل در فعل متعدی ساخته شده با ستاک گذشته

در گویش اوزی در نمونه‌های ۴۸ تا ۵۵ نیز، مطابقه با فاعل فعل‌های متعدی دیده می‌شود
(۴۸) «آن‌ها مرا شناختند»

me_iya ma fo = fenasi

جمع- آن‌ها من شناخت- پیش‌بست ۳ ش ج

(۴۹) «آن‌ها تو را شناختند»

me_iya ta fo = fenasi

جمع- آن‌ها تو شناخت- پیش‌بست ۳ ش ج

(۵۰) «آن‌ها او را شناختند.»

me_iya me fo = fenasi

جمع- آن‌ها او شناخت- پیش‌بست ۳ ش ج

(۵۱) «آن‌ها ما را شناختند.»

me_iya æma fo = fenasi

جمع- آن‌ها ما شناخت- پیش‌بست ۳ ش ج

(۵۲) «من آن‌ها را دیدم»

ma me_iya om= di

من جمع- آن‌ها دید- پیش‌بست ۱ ش م

(۵۳) «آن‌ها آن زن‌ها را دیدند.»

me_iya me zen_iya fo=di

جمع- آن‌ها جمع- آن‌ها دید- پیش‌بست ۳ ش ج

نمونه (۵۴) نیز کاربرد پیش‌بست مطابقه با فاعل فعل مرکب را نشان می‌دهد.

(۵۴) «مردی که با شما صحبت می‌کرد معلم است.»

mærd_e ke xote foma sobæt o=f_ke/ f=o_ke moælem e

است معلم کرد- نمود ناقص- پیش‌بست ۳ ش م صحبت شما با که معرفه- مرد

همچنین در نمونه (۵۵) به مفهوم «توانستن»، (نوعی فعل وجهی) از پیش‌بست مطابقه با

فاعل استفاده شده است.

(۵۵) «یاد گرفتند»

yad fo=geret

یاد گرفت - پیش‌بست ۳ ش ج

فعل «خواستن» نیز که نوعی فعل وجهی است برای مطابقه از پیش‌بست بهره می‌گیرد. صرف این فعل در جدول (۱۹) آمده است.

۳-۲-۴. مطابقه با فاعل در فعل‌های لازم و متعدی ساخته‌شده با ستاک حال در گویش اوزی صرف فعل «خوردن» (جدول ۱) و فعل مرکب «نصیحت‌کردن» (جدول ۲۰) در زمان حال استمراری بیان‌گر این مطابقه است. همچنین صرف فعل «رفتن» در جدول (۲۲) قابل مشاهده است. پی‌بست‌های مطابقه فاعلی در گویش اوزی در جدول (۲۱) آمده است. توجه: نمونه (۱۷) پی‌بست مطابقه فاعلی در فعل لازم ساخته‌شده با ستاک گذشته را نشان می‌دهد.

۴-۲-۴. مطابقه با مفعول در فعل‌های متعدی ساخته‌شده با ستاک حال در گویش اوزی

الف) مطابقه با مفعول با واسطه

در نمونه‌های (۵۶) تا (۵۸) مطابقه مفعول با واسطه به صورت پیش‌بست‌های (fo و fon) در ابتدای ستاک حال بازنمود شده است.

(۵۶) «به‌شان می‌گویم»

fon_æg_am

۱ ش م گوی پیش‌بست ۳ ش ج مفعولی

(۵۷) «بهش می‌گویم»

fo_æg_am

۱ ش م گوی پیش‌بست ۳ ش م مفعولی

(۵۸) «بهش می‌دهم»

fo_æt_am

۱ ش م ده پیش‌بست ۳ ش م مفعولی

ب) مطابقه با مفعول بی‌واسطه

در نمونه‌های (۵۹) تا (۶۱) مطابقه مفعول بی‌واسطه به صورت پیش‌بست‌های (mæ و ʃæ) در ابتدای ستاک حال بازنمود شده است.

(۵۹) «آن‌ها مرا می‌شناسند.»

me_iya ma mæ_ʃnas_ed

۳ ش‌ج- شناس-نمود ناقص-پیش‌بست ۱ ش‌م مفعولی من جمع-آن‌ها

(۶۰) «آن‌ها مرا می‌برند.»

me_iya ma mæ_br_ed

۳ ش‌ج- برد-نمود ناقص-پیش‌بست ۱ ش‌م مفعولی من جمع-آن‌ها

(۶۱) «آن‌ها او را می‌برند.»

me_iya ona ʃæ_ʃnas_ed

۳ ش‌ج- برد-نمود ناقص-پیش‌بست ۳ ش‌م مفعولی او جمع-آن‌ها

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به این نکته که گویش اوزی زیرمجموعه‌ای از زبان لارستانی است و شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان این دو گویش وجود دارد، و بر اساس تحلیل مولفه‌های مطابقه (۱-۶) و ترتیب واژگانی (۲-۶)، این پژوهش در گویش اوزی به نتایج زیر دست یافت.

(۱) از آنجایی که گویش اوزی زیرمجموعه‌ای از زبان لارستانی است، شباهت‌های فراوانی با گویش لاری (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۳۸۳-۴۶۹) دارد. در عین حال تفاوت‌هایی دیده شد که در این پژوهش به آن‌ها پرداختیم و در این بخش به طور خلاصه و فهرست‌گونه ارائه می‌شوند. در خصوص مطابقه با فاعل نتایج به دست آمده از قرار زیر است:

الف) در جمله‌های مضارع/حال، پیشوندهای یکسان و پی‌بست‌های مطابقه فاعلی متفاوت (جدول‌های ۱، ۳ و ۵) مشاهده شد که نشان‌دهنده مطابقه با فاعل در فعل‌های لازم و متعدی ساخته‌شده با ستاک حال می‌باشد (جدول‌های ۱، ۲۰ و ۲۲). در جمله‌های گذشته (ساده، استمراری، نقلی و بعید)، پی‌بست‌های یکسان و پیش‌بست‌های مطابقه فاعلی متفاوت در نمونه‌های (۲، ۳، ۶، ۸، ۱۵، ۱۶ و ۴۸) تا

(۵۳) مشاهده شد که نشان‌گر مطابقه با فاعل در فعل‌های متعدی با ستاک گذشته بودند.

ب) بر اساس مطابقه با مفعول در فعل‌های متعدی ساخته‌شده با ستاک حال این نتیجه حاصل شد که مطابقه مفعول (باواسطه در نمونه‌های (۵۶) تا (۵۸) و بی‌واسطه در نمونه‌های (۵۹) تا (۶۱) به صورت پیش‌بست در ابتدای ستاک حال، بازنمود می‌شود.

ج) نظام مطابقه در گویش اوزی نشان می‌دهد که از پیش‌بست‌های مطابقه با فاعل فعل‌های متعدی (جدول ۱۷) و پی‌بست‌های مطابقه با فاعل فعل‌های لازم و متعدی (جدول ۲۱) استفاده می‌شود. همچنین، فاعل فعل‌های لازم و فاعل فعل‌های متعدی به صورت پی‌بست‌های مطابقه، در فعل ثبت می‌شوند که در جدول‌های ۱ و ۲۲ به ترتیب در قالب فعل‌های «خوردن» و «رفتن» ارائه شده‌اند. اما مفعول به کمک پیش‌بست مطابقه در فعل (نمونه‌های ۵۶ تا ۶۱) نمایان می‌شود.

د) همچنین در گویش اوزی مشاهده شد که مطابقه فاعل فعل متعدی به وسیله پیش‌بست‌های مطابقه با فاعل (جدول ۱۷) انجام می‌گیرد. (برای یادآوری به ۴-۲-۱ رجوع کنید).

(۲) ویژگی‌های شایان ذکر در گویش اوزی بر اساس مؤلفه‌های ترتیب واژگانی از این قرار هستند: ۱. وجود نشانه معرفه‌ساز، e است. ۲. گویش اوزی، گویشی پیش‌اضافه‌ای است. ۳. در گویش اوزی نشانه‌ای برای مفعول صریح وجود ندارد. ۴. بند موصولی بعد از هسته اسمی جای دارد. ۵. مضاف قبل از مضاف‌الیه قرار می‌گیرد. ۶. قید حالت قبل از فعل قرار می‌گیرد. ۷. گزاره قبل از فعل اسنادی می‌آید. ۸. فعل «خواستن» قبل از فعل بند پیرو قرار می‌گیرد. ۹. صفت پس از موصوف قرار می‌گیرد. ۱۰. صفت اشاره قبل از اسم می‌آید. ۱۱. قید مقدار پیش از صفت قرار می‌گیرد. ۱۲. برای بیان مفهوم زمان آینده، فعل کمکی وجود ندارد، بلکه این مفهوم با همان صورت مضارع فعل بیان می‌شود. ۱۳. برای زمان گذشته وندی وجود ندارد که به پایه فعل افزوده شود. در ماضی نقلی و ماضی بعید، توالی ستاک گذشته و نشانه اسم مفعول مشاهده می‌شود. ۱۴. ادات استفهام «آیا» برای پرسش‌های آری- نه به کار برده می‌شود اگرچه معمولاً حذف می‌شود. در صورت کاربرد، در آغاز جمله ظاهر می‌شود. ۱۵. پیرونمای بند

قیدی پیش از بند جای دارد. ۱۶. فاعل پیش از فعل قرار می‌گیرد. ۱۷. عدد قبل از اسم می‌آید. ۱۸. فعل کمکی در مفهوم «توانستن» پیش از فعل اصلی قرار دارد. ۱۹. متمم‌نما یا همان نشانه‌ی بند پیرو، در آغاز جمله‌ی پیرو می‌آید. ۲۰. پرسش‌واره در جای اصلی خود می‌ماند و به ابتدای جمله حرکت نمی‌کند. ۲۱. وند منفی‌ساز قبل از ستاک فعل و بعد از پیشوند فاعلی قرار می‌گیرد.

فهرست منابع

- احمدی‌پور، طاهره. (۱۳۷۲). *آرایش سازه‌ها در زبان فارسی*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- بابایی‌بزار، پروانه. (۱۳۷۴). *بررسی گویش دزفولی*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. شیراز: دانشگاه شیراز.
- خضری، محمدنور. (۱۳۷۷). *گذری بر فرهنگ مردم اوز (لارستان)*. شیراز: انتشارات نوید.
- دبیرمقدم، محمد. (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. ج. ۲. تهران: انتشارات سمت.
- دستجردی‌کاظمی، مهدی. (۱۳۹۰). *توصیفی از گفتار دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی در نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی: فرانشس متنی*. *زبان‌پژوهی*، ۳ (۵)، صص. ۹۳-۱۳۱.
- راستی‌بهبهانی، امید. (۱۳۸۸). *گویش بهبهانی؛ دستور صرفی، واژگان معمول*. تهران: طرح و اجرای چاپ.
- راستی‌بهبهانی، امید. (۱۳۹۱). *بهبهانی، گویش یا لهجه؟ بررسی ساختار صرفی فعل در زبان محلی بهبهانی*. *ادبیات و زبان‌های محلی ایران*، ۳، صص. ۶۱-۸۴.
- رضاپور، ابراهیم. (۱۳۹۳). *ترتیب واژگانی در سمنانی از منظر رده‌شناسی زبان*. *جستارهای زبانی*، ۵، صص. ۱۶۹-۱۹۰.
- شریفی، شهلا. (۱۳۸۳). *توصیف و تبیین آرایش واژه‌ها در فارسی معاصر بر اساس ملاحظات رده شناختی*. رساله‌ی دکتری. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- شریفی، شهلا. (۱۳۸۷). *آرای هاوکینز در حوزه رده‌شناسی و بررسی انطباقی عدم انطباق این آرا بر آرایش واژه‌ها در زبان فارسی*. *زبان و زبان‌شناسی*، ۴، صص. ۷۸-۹۶.
- شریفی، شهلا. و اخلاقی، الهام. (۱۳۹۲). *معرفی رویکرد معیار در رده‌شناسی صرفی و نمود آن در برخی گویش‌ها و زبان‌های رایج در ایران*. *زبان‌پژوهی*، ۹، صص. ۴۷-۷۰.
- پاییز و زمستان ۱۳۹۸
- زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی، سال چهارم، شماره دوم

- شقایق، ویدا. (۱۳۹۴). وند گروهی. *زبان و زبان‌شناسی*، ۱۷، صص. ۱-۲۶.
- کدخدای طراحی، مهدی. (۱۳۸۵). *دستور لهجه شوشتری*. رساله دکتری. تهران: دانشگاه تهران.
- گرامی، شهرام. (۱۳۸۵). توصیف دستگاه فعل در گویش بهبهانی. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*. ویژه‌نامه زبان انگلیسی و زبان‌شناسی. ۱، صص ۱۰۸-۱۲۶.
- گلفام، ارسلان. (۱۳۷۹). شباهت‌ها و تفاوت‌های زبانی: جهانی‌ها و رده‌شناسی. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، ۱۵۵ (۹۷۹).
- معماری، مهران. (۱۳۸۹). *بررسی و توصیف زبان‌شناختی گویش بهبهانی*. اهواز: کردگار.
- میردهقان، مهین‌ناز. (۱۳۸۷). *حالت‌نمایی افتراقی در زبان‌های هندی/ اردو. پشتو و بلوچی*. در چارچوب بهینگی و ژنتقی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- میردهقان، مهین‌ناز. و مهمانچیان ساروی، شیرین. (۱۳۹۰). آرایش واژگانی در جملات خبری گویش آنتی (ساروی) در چارچوب نظریه بهینگی. *جستارهای زبانی*. ۳، صص. ۵۳-۸۳.
- Bader, M. Hussler, J. (2010). Word order in German: A corpus study. *Lingua*, 120 (3), pp. 717-762
- Bradshaw, J. (1982). *Word order in Papua New Guinea Australian languages*. Doctoral dissertation. Retrieved from http://scholarspace.manoa.hawaii.edu/bitstream/handle/10125/21328/Bradshaw1982-diss_r.pdf?sequence=8.
- Butt, M. (1994). *Theoretical perspectives on word order in South Asian languages*. Stanford: CSLI Publications.
- Colijin, E. & Tonhaaser, J. (2010). Word order in Paraguayan Guarani. *International Journal of American Linguistics*. 76 (2), pp. 255-288.
- Comrie, B. (1989). *Language universals and linguistic typology*. 2nd ed. Chicago: The University of Chicago Press.
- Croft, W. (1993). Case Marking and the Semantics of Mental Verbs. in J. Pustejovsky (ed), *Semantics and the lexicon*. Dordrech: Kluwer, pp. 55-72.
- Dryer, M. S. (1989). Large linguistic areas and language sampling. *Studies in Language*, 13, pp. 257-92.

- Dryer, M. S. (1992). The Greenbergian word-order correlations. *Language*. 68, pp. 81-138.
- Dryer, M. S. (2003). Word order in Sino-Tibetan languages from a typological and geographical perspective. eds. J. Thurgood & R. J. LaPolla. *the Sino-Tibetan languages*, London & New York: Routledge Publishing. pp. 43 –56.
- Dryer, M. S. (2008). "Word Order in Tibeto – Burman Languages". *linguistics of the Tibeto-Burman Area*. no. 31(1). pp. 1- 88.
- Greenberg, J. (1966). Some universals of grammar with particular reference to the order of meaningful elements. *Universals of Language*. ed. Joseph Greenberg. Cambridge, MA: MIT Press. pp. 73-113.
- Hawkins, J. A. (1983). *Word order universal*. New York: Academic Press.
- Kallestinova, E. D. (2007). *Aspects of word order in Russian*. PhD thesis. University of Iowa.
- Lehmann, W. P. (1973). A structural principle of language and its implications. *Language*. 49, pp. 47-66.
- Mackinnon, C. (1995). Dezfuli and Shushtari. *Encyclopedia Iranica*. VII. Fasc. 4, pp. 350-354.
- Mallinson, G. & Blake, B. J. (1981). *Language typology: cross – linguistic studies in syntax*. Amsterdam: North-Holland.
- Siewirska, A. (1988). The passive in Slavic. in M Shibatani (ed.), *passive and voice*. Amesterdam: Benjamins. pp. 243-289.

Song, J. J. (2018). *Linguistic typology*. Oxford: University Press.

Unvala, J. M. (1959). *Contribution to modern persian dialectology: the Luri and Dizfuli dialects*. Calcutta: Iran society.

Vennemann, T. (1974). Theoretical word order studies: results and problems. *Papier zur Linguistik*, 7, pp. 5-25

Whaley, L. J. (1997). *Introduction to typology: the unity and diversity of language*. CA: Sage.



A Typological Study on the Word Order and Agreement Patterns in Evazi Dialect

M. Kamal Pour¹ and M. Mirdehghan Farashah^{*2}

1-Ph.D in General Linguistics, Qom Islamic Azad University, Iran

2-Associate Professor of Linguistics, Faculty of Letters and Human Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Abstract

The purpose of the present study is a typological analysis on word-order and agreement in Evazi dialect, one of the dialects in the south of Fars province. This dialect has shown interesting characteristics in agreement system and word-order which is different from standard Farsi but similar to some other dialects in Fars such as Larestani, Khonji, Bastaki, Bikhei and Gerashi. The research is theoretically based on Dryer (1992) and Dabirmoghadam (1392) in investigating and analyzing 22 typological components of word order in the dialect under investigation. Accordingly, the considered parameters are analyzed in the form of the above 22 word-order components and 3 agreement types which is exemplified in 61 dialect samples and further illustrated in 23 tables within the paper. The research results demonstrates that the agreement system in Evazi dialect reveals a proclitic agreement with the subject of transitive verbs, and suffixal agreement with transitive and intransitive verbs according to which, the subjects of both intransitive and transitive verbs are shown in suffixed forms on the verbs in its agreement system.

Keywords: typological dialect analysis, Evazi dialect, word order components, subject agreement, object agreement.
